

چکیده

سیاست خارجی ترکیه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۶ دو دوره متفاوت را پشت سر گذاشته است. ابتدا با پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۲ ترکیه سیاست خارجی این کشور از گرایش صرف به غرب و بی توجهی به خاورمیانه، به اولویت دهی به خاورمیانه همراه با توجه به غرب تغییر رویه داد. بر این اساس دولت ترکیه ابتدا به سیاست تنش صفر با همسایگان روی آورد اما با بروز بحران در کشورهای سوریه و عراق این سیاست تنش زدا جای خود را به دخالت در امور داخلی این کشورها و در نتیجه تنش زایی در منطقه خاورمیانه داد. سوال اصلی این پژوهش این می باشد که چه عواملی امکان تحول در سیاست خارجی ترکیه در رویه نو عثمان گرایی و حکومت حزب عدالت و توسعه نسبت به جهان و سیاست خارجی آن را فراهم آورد. لذا فرضیه پژوهش بر این اصل استوار است که بازگشت به هویت اسلامی و عثمانی، تعریف مجدد هویت تاریخی و فرهنگی ترکیه، ناامیدی از وعده های عملی نشده عضویت در اتحادیه اروپا و کسب منافع ملی بیشتر، عوامل عمده تحول به سوی چند جانبه گرایی در سیاست خارجی ترکیه است. بر همین اساس روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه ای و تحلیل محتوا می باشد بنابراین بررسی های به عمل آمده در این پژوهش نشان داد که لازمه درک سیاست خارجی ترکیه در یک دهه اخیر و فراتر رفتن از تحلیل های روزمره و تبیین چرایی این تحولات، توجه به تحولات دو و سه دهه اخیر در درون ترکیه و رشد جامعه مدنی در آن و همچنین تحولات منطقه ای و بین المللی است. حرکت به سوی اقتصاد آزاد و تقویت جامعه مدنی و همزمان رشد گرایش به سوی هویت اسلامی، طیف های اجتماعی سکولار و ارتش ترکیه را که هویت مدرن ترکیه را بر مبنای اروپا محوری تعریف کرده بودند، به حاشیه راند و با قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، تحولات در سیاست داخلی و خارجی ترکیه را اجتناب ناپذیر نمود.

کلمات کلیدی: نو عثمان گرایی، حزب عدالت و توسعه، سیاست خارجی، ترکیه؛